

سیمای امام خمینی در شعر معاصر عرب

دکتر علیرضا محکی پور

(استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران)

مهدی اسحاقیان درچه

(کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی)

چکیده

حرکت‌های بزرگ تاریخی بیش از هر چیز مدیون شخصیت‌های برجسته‌ای است که با نفوذ خود بر افکار و اندیشه ملت‌ها تحولات عمیقی را در جامعه بشری ایجاد کرده‌اند. از جمله این شخصیت‌ها امام خمینی بود که با رفتار خویش نام و یاد پیامبران و امامان مصلح را در ذهن‌ها زنده کرد. او حسین زمان ما بود و ویژگی‌های برجسته ایشان در شعر معاصر عرب منعکس شده است. امام مردی آزاده و شهادت‌طلب بود و این شهادت‌طلبی ایشان توسط عدنان مصطفی العمرانی، شاعر عرب، به تصویر کشیده شده است. آزادگی و بت‌شکنی امام نیز مورد توجه علی مرتضی الامین، شاعر لبنانی، و صالح عظیمه، شاعر سوری، قرار گرفته است. امام خمینی حقیقت دین را به شکلی که رسول خدا و اهل بیت مطرح کرده بودند ارائه کرد و این تفسیر، تازه به نظر می‌رسد، از این رو برخی شاعران عرب او را زنده کننده دین نامیدند.

کلید واژه‌ها: امام خمینی - شعر معاصر عرب.

مقدمه

مقاله حاضر به تحقیق پیرامون سیمای امام خمینی در شعر عربی معاصر پرداخته است.

ویژگی‌های امام خمینی اگرچه از دیدگاه ایرانی همواره مورد بحث و تبادل نظر بوده و هست، اما ضروری است که این ویژگی‌ها از دیدگاه غیر ایرانی، به ویژه مردم کشورهای عربی، نیز مورد بررسی قرار گیرد. آنچه ضرورت این تحقیق را بیشتر نمایان می‌سازد نظرات خاصی است که مردم سرزمین‌های عربی نسبت به مردم ایران در طول تاریخ داشته‌اند. در دوران رژیم پهلوی به دلیل پشتیبانی این رژیم از صهیونیست‌ها، این دیدگاه کاملاً متفاوت بود. ارزیابی نظرات شاعران عرب‌زبان به‌عنوان نمایندگان ملتی بزرگ، نسبت به امام و مردم ایران می‌تواند پیوند میان این دو ملت را که دارای مشترکات فراوان ادبی و فرهنگی است بیش از پیش استحکام بخشیده و موجبات هم‌بستگی آنان در برابر دشمنان اسلام را سبب گردد.

امام خمینی یادآور نام انبیاء و اوصیاء

امام خمینی در زندگی پر برکت خویش حرکت‌های عظیمی را در راستای اصلاح جامعه آغاز نمود. او اصلاح‌گری بود که نام و یاد پیامبران و امامان مصلح را در ذهن‌ها زنده می‌کرد و رفتار و کردار او تداعی‌کننده و یادآور رفتار و کردار انبیا و اوصیای الهی بود. این ویژگی امام خمینی در شعر عربی معاصر بازتاب پیدا کرده و برخی از شاعران عرب آن را مورد توجه قرار داده‌اند. علی محمد فرحات شاعر لبنانی در قصیده‌ای بلند امام را ستایش می‌کند و این ویژگی ایشان را این‌گونه بیان می‌دارد: (فرحات، ۲۰۰۰ م، ص ۶۵)

هَلْ طَهَّ لَاحَ بِمُوكِبِهِ	يَتَحَدَّى كَسْرِي مَعَ قَيْصَرٍ؟
أَمْ أَنْ عَلِيًّا فِي طَهْرًا	نَ يَقِيمُ اللَّيْلَ وَ لَا يَفْتَرُ
يَتَفَقَّدُ حُرَّاسَ الْإِسْلَامِ	م، وَ يَفْسُخُ جِبْهَةَ مَنْ يَعْثُرُ
أَحْسِينَ أَشْعَلَ ثَوْرَتَهُ	وَ اللَّهَبَ الْأَحْمَرَ وَ الْأَصْفَرَ

آیا پیامبر ﷺ با کاروانش پدیدار گشته و کسری و قیصر را به مبارزه طلبیده است؟ یا اینکه این علی عليه السلام است که در تهران شب زنده‌داری می‌کند و سست و ناتوان نمی‌گردد؟ جویای احوال پاسداران اسلام است و نوازشگر پیشانی زمین خوردگان. آیا حسین عليه السلام آتش قیامت را با شعله‌های زرد و قرمز آتش، برافروخته است.

همین شاعر در جایی دیگر از قصیده‌اش امام را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

يَا وَارثَ عَيْسَى كَلِمَتُهُ
يَا نَائِبَ طَهَ، يَا عَبَقْرُ
حُرِّ الْأَوْطَانِ، خَمِينِي
كَرَارًا، فَرَارًا، قَسْوَرًا

(همان، ص ۷۴)

ای وارث عیسی در سخنوری، ای جانشین طه، ای نابغه، این آزادمرد سرزمین‌ها
خمینی است که چون شیران می‌رزمند.

حسین عیسی ارتباط معنوی امام را با پیامبران و امامان مورد توجه قرار می‌دهد و
خطاب به امام می‌گوید:

تِلْكَ الْأَصَابِعُ يَا إِمَامُ نَحِيلَةَ
وَإِذَا ارْتَعَشْتَ فَضُوؤُهُنَّ قَرَارًا
قَعَلَى الْجَبِينِ مِنَ النَّبِوةِ آيَةَ
وَ بِرَاحَتِكَ الْعِزْمُ وَالْإِصْرَارُ
يَا حَامِلَ النَّبَا الْعَظِيمِ بِقَلْبِهِ
و بِمَقَلَّتِيهِ مِنَ الْكَلِيمِ دَوَارًا
فَدَمُ الْحَسَنِ بِوَجْتِكَ مَشَاعِلًا
و الْحَقُّ جِيَّاشٌ بِهَا هَدَارًا

(المستشارية الثقافية، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۹)

ای امام انگشتانت لاغر و ناتوان است و چون حرکت کند روشنایی اش مایه آرامش و
قرار. بر پیشانی ات نشانه‌ای از پیامبری است و در کف دستانت عزم و پایداری است.
ای که در قلبت خبر بزرگ و در چشمانت چرخشی از موسای کلیم همراه است. خون
حسین بر گونه‌هایت می‌درخشد و حق با آن جوشنده و در جریان است.

موسای زمان

ابراهیم بری شاعر دیگری است که در این مورد شعر سروده و در قصیده‌ای با نام
«صوت ایران» امام را موسای زمان نامیده است:

نَحِبُ قَمًّا وَ تَسْتَجَلِي الْيَقِينُ بِهَا
و نَسْبُ الْحَقُّ فِيهَا أَيْنَمَا كَانَا
فَنَارُ سِنَاءَ مَا غَابَتْ وَ لَا انْطَفَأَتْ
تَوَزَعَتْ فَغَدَتْ فِي قَمِّ نِيرَانَا
هِنَا الْخَمِينِيُّ، وَ الْعَصَا مَعَهُ
تَحَطَّمُ الشَّرِكُ أَصْنَامًا وَ أَوْثَانَا
إِنَّ يَمْضُ مُوسَى، وَ تَمْضِي الْمَعْجَزَاتُ بِهِ
يَبْقُ الْخَمِينِيُّ هِنَا مُوسَى بَنَ عَمْرَانَا

(همان، ص ۲۰)

قم را دوست داریم و یقین را به روشنی در آن می‌بینیم و حق را هر کجای آن که باشد

دنبال می‌کنیم. گویی آتش طور سینا پنهان و خاموش نگشته بلکه پراکنده شده و به صورت آتشی در قم تجلی یافته است. خمینی اینجا موسای زمان است و تندیس‌ها و بت‌های شرک آلود به عصای او ویران. اگر موسی با معجزاتش از میان ما رخت برپست و رفت خمینی خود موسی بن عمران در میان ماست.

حسین دوران

امام خمینی «که به گفته یکی از بزرگان اگر در عصر امام حسین علیه السلام حاضر بود اصحاب آن حضرت به ۷۳ نفر می‌رسید» (سبحانی نیا، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۰) زندگی سراسر مبارزه و جهاد داشت و آزادمنشی و عزت در مواجهه با کفار و دشمنان خدا را از جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام به ارث برده بود و همان‌گونه که آن بزرگوار با عزت بی‌انتهایش جان خود و تمامی عزیزانش را فدا کرد و خاندانش به اسارت رفتند ولی ننگ سرسپردگی به حکومت فسق و جور یزید را قبول نکرد، امام نیز در اوج اختناق پهلوی که هیچ‌کس را یارای کوچک‌ترین مخالفتی با دستگاه حاکم نبود، با در افتادن با اصل و ریشه ظلم و فساد، یعنی شخص شاه، تا پای جان ایستاد و فرمود: «من هم‌اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جبارهای شما حاضر نخواهم کرد». (همان، ص ۱۲)

آری امام خمینی حسین عصر ما بود و شاعران عرب به این ویژگی امام توجه نموده‌اند که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم. وهیب عجمی شاعر عرب در این مورد خطاب به امام گوید:

يَا آيَةَ اللَّهِ يَا عَنَاوَنَ عَزَّتْنَا أَنْتَ الْحَسِينُ لِهَذَا الْعَصْرِ عَن كَثْبِ

(عبدالرحيم، ۱۴۱۲ هـ. ق، ص ۴۵)

ای نشانه خداوند، ای سرلوحه عزت ما، به راستی که تو حسین این روزگاری.

عبدالامیر سلمان نیز امام را حسینی دیگر می‌داند و خطاب به سرباز امام گوید:

يَا أَيُّهَا الْجَنْدِيُّ حَسْبُكَ نَوْرَةٌ سَجَلَتْهَا فِي عَالَمِ الْحَسْبَانِ
إِنَّ فَاتِكَ النَّصْرَ الْعَظِيمَ بِكَرْبَلَا فَالْيَوْمَ أَنْتَ مَعَ الْحَسِينِ الثَّانِي
فَانزِلْ لِسَاحَاتِ الْجِهَادِ قَرِيْمَا كُنْتَ الشَّهِيدَ بِسَاحَةِ الْمِيدَانِ

(المستشارية الثقافية ۱۴۰۸ ق، ص ۷۰)

ای سرباز! تو را انقلابی کافی است که در دنیای گمان و پیش‌بینی آن را ثبت نمودی. اگر آن یاری بزرگ را در کربلا از دست داده‌ای، بدان که امروز تو با حسین دوم هم زمانه‌ای. پس به میدان‌های جهاد و مبارزه فرود آی، چه بسا که شهید عرصه این میدان گردی.

مهربانی و خشونت

امام خمینی مظهر خشم و رحمت بود، در جای خود جذب می‌کرد و در جای خود دفع می‌نمود. امام همان‌گونه که به پیروی از جدش امیرالمؤمنین ع مظهر جاذبه و دافعه بود، همچنان قلب او ظرف حب و بغض و دوستی و نفرت بود. حب به خدا و اولیای او و بغض و نفرت به دشمنان خدا و دشمنان اولیای خدا.

شعر عربی معاصر از این ویژگی برجسته امام غافل نبوده است و برخی شاعران معاصر عرب در این مورد شعر سروده‌اند، که به برخی از آنها می‌پردازیم. عباس شرف در قصیده‌ای با نام «النبا العظیم» مهربانی امام نسبت به ضعیفان و خشونت ایشان در برابر ستمگران را مورد اشاره قرار می‌دهد و او را پدر یتیمان، پیشوای مؤمنان و حامی فرزندان دادگان می‌نامد و این‌گونه می‌گوید:

عَطُوفُ الْقَلْبِ لِلضَّعْفَاءِ سَمَّحٌ	و لَكُنْ لِلغُشُومِ الصَّلَفِ صَلْدٌ
لُعْنُ الظَّالِمِينَ الْيَوْمَ سَيْفٌ	و مَأْوَى الْمُؤْمِنِينَ الْيَوْمَ غَمْدٌ
أَبُو الْإِيْتَامِ بَلْ كَهْفُ الْإِيْتَامِي	و كَنْزُ الْكُلِّ لِلْمَعْدُومِ مَجْدٌ
إِمَامُ الْمُؤْمِنِينَ جَمَى التَّكَالِي	لَسَحَى الْكُفْرِ لَا يَنْبِيهِ جَهْدٌ
بَعِيدُ السَّبْرِ لَا يَنْبِيهِ شَيْءٌ	عَنِ الْإِنصَافِ لَا يَفْنِيهِ كَدٌ
كَأَنَّ حَدِيثَهُ لِلظَّالِمِ صَابٌ	وَأَنَّ حَدِيثَهُ لِلضَّعْفِ شَهْدٌ

(عبدالرحیم، ۱۴۱۲ هـ ق ص ۵۷)

برای ضعیفان مهربان دل و بخشنده است لیکن برای ظالمان سخت و انعطاف‌ناپذیر است. امروز او شمشیری برای گردن ظالمان است و خلاف و پناهگاهی برای مؤمنان. او پدر یتیمان است بلکه پناهگاه بیوه‌زنان، او تمامی گنج‌هاست و برای انسان پاک‌باخته شرف و بزرگواری است. پیشوای مؤمنان و حامی فرزندان از دست دادگان است، برای

نابود کردن کفر هیچ تلاشی مانع او نمی‌شود. ژرفای وجود او را نتوان مشخص کرد، چیزی او را از انصاف باز نمی‌دارد و رنج و زحمت او را نابود نمی‌سازد. گویا سخنش برای ظلم و ظالم عصاره‌ای تلخ است و برای ضعیفان عسلی شیرین و شهد است. عمار الغفاری در قصیده‌ای با نام «سلام علی الامام» امام را مورد خطاب قرار می‌دهد و مهربانی و خشونت امام را در ویژگی‌های مختلف او بیان می‌کند و او را دوستی برای پهلوی خمیدگان و آتش سوزانی برای ظالمان می‌نامد:

خمینی إلیک تحجُّ الشعوبُ	فبالله بالله أنت العَلَمُ
وَ أَنْتَ الهِنَاءُ وَ أَنْتَ الوفاءُ	وَ أَنْتَ النِّقاءُ وَ أَنْتَ الكرمُ
وَ أَنْتَ الغیوثُ وَ أَنْتَ اللیوثُ	وَ أَنْتَ المضاءُ وَ أَنْتَ النِّعمُ
وَ أَنْتَ المعاجزُ فی کبرِها	وَ أَنْتَ المقاتلُ وَ المَعْتَصِمُ
وَ أَنْتَ حَبِيبُ حنايَا الضلوعُ	وَ أَنْتَ لهيبُ علی مَنْ ظَلَمُ

(نزار، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۵۲)

ای خمینی ملت‌ها به زیارت تو می‌آیند پس به خداوند قسم به خداوند قسم تو نشانه‌ای برجسته‌ای، و تو مبارک و باوفایی و تو پاک و کریمی، و تو بسیار یاری‌دهنده و قدرتمندی و تو روشنایی و نعمت‌هایی، تو در کهنسالی پیشی‌گیرنده‌ای و تو، هم رزمنده‌ای و هم پناه‌گاهی، تو با پهلوی خمیدگان دوست و مهربانی و برستمگران آتشی سوزانی.

محمد حسین النجفی نیز مهربانی و خشونت امام را در موقعیت‌های مختلف توصیف می‌کند و با ایشان بیعت می‌نماید و می‌گوید:

بِالْخِميني نَبَلُّعُ النَصْرَ حَتْمًا	هُوَ رَمزُ الْإِيا مَعِيكَ الْحَزِينِ
هُوَ لِلْمُسْلِمِينَ حَصْنٌ مَنِيعٌ	وَ بِيَوْمِ اللِّقاءِ لَيْتُ عَرَبِينَ
يَا أبا مُصطَفَى فَحُذِّهاكَ كَفَى	إِنْ دِيناً نَصْرَتُهُ هُوَ دِينِي

(همان، ص ۵۳)

بدون شک با خمینی به پیروزی می‌رسیم، او پرچمدار تسلیم‌ناپذیری و فریادرس انسان غمگین است. او برای مسلمانان دژی بلند و محکم است و در روز نبرد چونان شیر پیشه است. ای پدر مصطفی دست بیعت مرا بگیر دینی که تو آن را یاری نمودی دین من است.

شهادت طلبی

امام خمینی مردی آزاده و شهادت طلب بود، همواره در آرزوی شهادت بسر می برد و از خدا درخواست کشته شدن در راه او را داشت. و برای همین بود که هرگز از دشمن اگرچه یک ابر قدرت و حشی مثل آمریکا باشد نمی ترسید. او می دانست که شهادت، رستگاری بزرگ است از این رو همواره انتظار آن را می کشید و می فرمود: «من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق، و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم». (اکبری، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۹)

«اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی داشته باشیم». (همان، ص ۵۹)

عدنان مصطفی العمرانی در قصیده «ذکر الامام» شهادت طلبی امام را به گونه‌ای زیبا به تصویر می کشد و این گونه بیان می دارد:

قال الخميني الأبيُّ بجرأة	فلنحسُ أفواء العدو رُغامًا
فاذا قُتلنا قد وفينا ما اقتضى	شرفُ الشهادة، حسب ذاك مرأما
وإذا ظفرنا فالحياة حياتنا عزُّ	فستحسُّ عند ذاك مقاما
بَلْ قال روحُ الله: وحدى ثائراً	أبقى ولا أخشى بذاك ملاما

(عبدالرحيم، ۱۴۱۲ ق، ص ۹۲)

خمینی تسلیم ناپذیر با شجاعت فرمود: باید دهان دشمنان را از خاک پر کنیم. پس اگر کشته شدیم به آنچه که عزت و شرف شهادت اقتضا می کند وفا نموده ایم، و آن هدف، ما را کافی است. و اگر پیروز گشتیم زندگی ما یک زندگی عزتمندانه است و آنجا مقام و منزلت را درک خواهی نمود. بلکه امام خمینی فرمود: من به تنهایی انقلابی باقی می مانم و به خاطر آن از هیچ سرزنشی نمی هراسم.

شاعر عزالدین الفارس نیز حضور امام در میدان های مبارزه را که نشانه شهادت طلبی است به زیبایی در این بیت بیان می کند:

يا قائدًا، وَ ضالُّ السيفِ جثته	وَ سيدًا، وَ حُطى تاريخه السور
---------------------------------	--------------------------------

(نزار، ۱۴۰۲ ق، ص ۱۹۶)

ای فرمانده ای که سایه شمشیرها بهشت اوست و آقای که سراسر عمرش شرافت و منزلت است.

یاور محرومان

امام خمینی برحسب وظیفه و تکلیف دینی و الهی خویش خود را موظف به دفاع از محرومان و مظلومان می دانست و در این راه تنها به ایران و رنج کشیدگان آن نمی اندیشید بلکه نجات تمامی مستضعفان از چنگال زورگویان و ستمگران سرلوحه اهداف ایشان بود. هدف او از انقلاب اسلامی در ایران تنها آزادسازی مردم این سرزمین از ظلم و ستم نبود، چراکه اگر چنین بود در راه دستیابی به اهدافش این قدر سختی و مشقت نمی کشید و زورگویان و چپاولگران عالم در برابرش موضع نمی گرفتند.

او یک فرد عادی نبود و همان گونه که شاعر عمار الحدیدی می گوید او خود ارتشی بود که انقلابیون را دربرمی گرفت، او پناه گاه رنج کشیدگان، و وعده داده شده و برگزیده ای برای پیروزی بود:

فَلَمْلِمِ الْجِرْحَ وَ ارْقُبْ حَلْوَ طَلْعَتِهِ	هُوَ الْخَمِينِي جَيْشٌ فِيهِ ثَوَاؤُ
أَنْتَ الْخَمِينِيُّ رُوحُ اللَّهِ مَنْقَدُنَا	وَ أَنْتَ لِلنَّصْرِ مَوْعُودٌ وَ مَخْتَارُ
وَ اسْمُ الْخَمِينِيِّ عَطْرٌ فِي جَوَارِحِنَا	وَ عِزْمُهُ يَمْحَقُ الطَّاغِينَ جَبَّارُ

(همان، ص ۱۹۲)

زخمت را رفوکن و منتظر چهره ی نیکویش باش، او خمینی است، او ارتشی است که انقلابیون در آن جای دارند. تو خمینی هستی، روح خدا، رهاننده ی ما، و تویی که برای پیروزی وعده داده شده و برگزیده ای. نام خمینی عطری در اعضای بدن ماست و اراده و تصمیم او نابودکننده ستمگران متکبر است.

علی حسین کاظم شاعر عراقی نیز امام را پناهگاه و حامی خود و اطرافیانش می داند و خطاب به امام گوید:

أَنْتَ رَمْزُ الْفَخَارِ مِنْ نَسْلِ طَه	أَنْتَ مِنْ ذِي الْفَقَارِ ذَرْبُ سِنَانِ
أَنْتَ مَوْلَايَ كَهْفَتَنَا وَ حَمَانَا	أَنْتَ حَصْبٌ إِذْ يَسْتَيْطُ الطَّعَانِ
أَنْتَ أَهْلٌ لِمِثْلَهَا فَاقْتَجِمْهَا	سَيْفُكَ الْيَوْمَ وَ الرَّذَى سِيَانِ

(همان، ص ۱۸۶)

تو رمز افتخاری و از تبار پیامبری و چونان نیزه ای تند از جنس ذوالفقاری. تو مرا آقای و ما را حامی و پناه گاهی و هنگام خشم گرفتن و حمله ور شدن نیزه ها (بر ما) تو دژی استواری. تو خود اهل جنگاوری هستی پس خود را در میدان نبرد بیفکن چرا که امروز شمشیر تو و مرگ یکسان است.

شاعر دیگری خطاب به امام او را یاور فقیران می خواند و آمادگی خویش را برای پشتیبانی از راه امام اینگونه ابراز می کند:

يَا نَاصِرَ الْفُقَرَاءِ الْيَوْمَ مَوْعِدُنَا
ارواحنا لهدي الايمانِ قَدْ رَخِصْتُ
وَ نَحْنُ لِلشَّرِيعَةِ الْغَرَاءِ اسْنَادُ
فَكَلُّنَا لِحِيَاضِ الْمَوْتِ وَرَادُ
وَ فَوْقَ كُلِّ ثَمَرِ الْإِسْلَامِ مِعَادُ
لَنَا قِيَادَتَكَ الْعَلِيًّا طَرِيقُ هَدْيِ

(همان، ص ۵۳)

ای یاری کننده ی فقیران، امروز روز میعاد ماست و ما پشتیبان این راه روشن و نیکو هستیم. جان های ما برای این یاور هدایتگر ناچیز و ارزان است و همه ما در این آبگیر مرگ وارد خواهیم شد. رهبری والای تو راه هدایت ماست و بالای هر زمین اسلام وعده گاه ما.

علی محمد فرحات نیز شیفتگی خود نسبت به امام را بیان می کند، او امام را یاری کننده و یاری شده می خواند و خطاب به او می گوید:

يَا مِيْلَادَ الْأَمَلِ الْغَالِي
يَا بَرَّ الْأَمَالِ الْكُبْرَى
يَا نَاصِرَنَا، يَا مُسْتَنْصِرُ
يَا أَمَلِ الْإِنْسَانِ الْأَيْسُرُ

(فرحات، ۲۰۰ م، ص ۷۲)

ای ولادتگاه گران قدر امید و آرزو، ای یاور ما، ای یاری شده.
ای تعبیر راستین آرزوهای بزرگ، ای آرزوی انسان خوشبخت.

آزادگی

امام خمینی از همه وابستگی ها آزاد بود و هرگز به دنبال ریاست، مرجعیت و مال اندوزی حرکت نکرد. هیچ گاه خود را مطرح نکرد و مردم را به خود فرانخواند. او به دنیا دل نبست، هیچ دل مشغولی و وابستگی به راحت دنیا نداشت و به تمام معنا از همه تعلقات آزاد بود.

امام فقط یک وابستگی داشت و آن وابستگی تمام عیار به حضرت حق بود و همین وابستگی او را از همه جا آزاد کرده بود.

نقص در آزادگی، زبان انسان را کند، و چشم او را نابینا و گوشش را ناشنوا می سازد اما امام زبانی گویاتر از ابودر و مدرس داشت و هیچ حقیقتی را نادیده نمی گرفت و نسبت به واقعیت هایی که به گوش او می رسید عکس العمل نشان می داد. این ویژگی امام در شعر

معاصر عرب بازتاب داشته است و برخی شاعران عرب به آن پرداخته‌اند که ما در اینجا به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم.

علی مرتضی الامین شاعر لبنانی امام را با عنوان پدر انقلابیون و پدر آزادگان مورد خطاب قرار می‌دهد و از جاهلیت این دنیا به امام شکایت می‌کند، او گوید:

يَا أَبَا الثَّوَارِ فِي ذَاكَرَتِي تَدَاعَى صُورَ عِزَّتِ بِيَانَا
يَا أَبَا الْأَحْرَارِ هَذَا عَالَمٌ جاهلياً قَدْ دَعَوَانَا كَفَانَا

(المستشارية الثقافية، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۶۴)

ای پدر انقلابیون در اندیشه‌ام نقش و نگارهایی تداعی می‌گردد که بیانش دشوار است. ای پدر آزادگان این جهانی است که ما آن را نادان و جاهل خوانده‌ایم و همین ما را پس است.

الدیراوی شاعر دیگری است که امام خمینی را چراغ و مشعل آزادگان می‌خواند و خطاب به ایشان گوید:

يَا مَشْعَلَ الْأَحْرَارِ فِي طَرِيقِ الْعُلَا هَا إِنَّ طَرَفَ الدِّينِ بَعْدَكَ أُرْمَدُ
يَا مَلْهَمَ التَّارِيخِ رُوحَ جِهَادِهِ حَقًّا لِمَثَلِكَ أَنْ يُقَالَ مَجْدُدُ

(الدیراوی، ۱۳۶۸ ش، ص ۸)

ای چراغ فروزان آزادگان در راه‌های شرف و بزرگواری بنگر! که بعد از تو چشم دین درد گرفته است. ای که به تاریخ روح جهادش را الهام نمود به راستی باید به چون تویی تجدیدکننده گفته شود.

سلمان عبدالامیر نیز امام را حکیم می‌خواند و می‌گوید که در رگ‌های ایشان خون آزادی و آزادسازی جریان دارد، او گوید:

فَهُوَ الْخَمِينِيُّ الْحَكِيمُ بِرَأْيِهِ وَ الْمُسْتَعِينُ بِقُوَّةِ الرَّحْمَنِ
يَجْرِي دَمُ التَّحْرِيرِ بَيْنَ عُرُوقِهِ لِيَصِبَ اعْصَاراً بِكُلِّ جَنَانٍ

(المستشارية الثقافية، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۶۹)

پس او خمینی است او که نظرش حکیمانه است و از قدرت پروردگار مهربان یاری می‌جوید. خون آزادسازی و آزادی در رگ‌هایش جریان دارد تا تندبادی در قلب‌ها به پا کند.

بت شکنی

امام خمینی بت شکن عصر ما بود. او که بت شکنی را از ابراهیم پیامبر ﷺ به ارث برده

بود توانست بت ایران را که شخص شاه بود، سرنگون سازد و هیبت و شوکت بت گونه آمریکا را بشکند.

برخی شاعران معاصر عرب به این ویژگی امام خمینی اشاره نموده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

ابو یاسر شاعر عراقی از شکستن بت بزرگ ایران توسط امام خبر می‌دهد و خطاب به امام گوید که تو مانند جدت پیامبر ﷺ بت شکن هستی:

و يصنعُ النصرَ فيها القائدُ الأسدُ	إذا الخمينيُّ في الدنيا يزلزلها
و ظلَّ شيطانها للهولِ يرتعدُ	أصنامُ إيرانَ قد كسرتْ أكبرها
فأنت قوئك فأس قاطعٌ ويدُ	إن كان جدك في فارس يكسرها

(نزار، ۱۴۰۲ ق، ص ۶۵)

آن هنگام که خمینی دنیا را به لرزه درآورد و رهبر شجاع در آن پیروزی ساخت، بزرگ‌ترین بت‌های ایران را شکستی و شیطان آن از ترس می‌لرزید. اگر جد تو با تبر بت‌ها را می‌شکست، سخن تو خود دست و تبری برنده است.

صالح عظیمه شاعر سوری از امام درخواست می‌کند که ایشان نیز مانند جد بزرگوارشان بت‌ها را در هم شکنند و هیچ اثری از آنان باقی نگذارد:

فتلك أصنامهم حكام مملكة	أستغفرُ اللهَ لما أذكر الصنما
فقل سيفك لا تبقى لهم أثراً	كفعلِ جدك لما هداهم و رمى

(همان، ص ۱۸۳)

پس بت‌های آنان حاکمان کشورند، از خداوند طلب بخشش می‌کنیم زمانی که نام بت را آوردم. شمشیرت را بیرون بکش که اثری از آنان باقی نمی‌گذاری مانند عمل جدت آن هنگام که آنها را درهم شکست و نابود ساخت.

زنده کننده دین

سنت الهی بر این است که خداوند در هر قرنی عالمی را برای غبار زدایی از دینش می‌فرستد و امام خمینی پاک کننده چهره‌ی اسلام از غبار تحریف و خرافات در قرن بیستم بود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «يحمل هذا الدين في كل قرن عدوٌّ ينفون عنه تأويل المبتلين، و تحريف الغالين و إتجال جاهلين كما ينفي الكير حَبَّ الحديد». در هر قرنی دادگرانی این دین را حمل می‌کنند و تفسیر اهل باطل و تحریف خرافه‌گویان و دروغ

جاهلان را از دین اسلام می‌زدایند همان‌گونه که کوره آهن‌گران ناخالصی‌های آهن را از آن می‌زداید» (اکبری، ۱۳۷۸، ش. ص ۱۷۱)

امام خمینی حقیقت دین را به شکلی که رسول خدا و اهل بیت علیهم‌السلام مطرح کرده بودند ارائه کرد و این تفسیر تازه به نظر می‌رسید، از این رو برخی شاعران عرب این ویژگی ایشان را مورد توجه قرار دادند. عباس شرف شاعر عرب در قصیده «النبا العظیم» در این مورد خطاب به امام گوید:

مَشِيَتْ عَلَى الطَّرِيقِ وَ كَانَتْ وَعْرًا	قَلِمٌ تَحْتَسُ السُّلُوكَ وَ فِيهِ أَوْدٌ
وَ أَحْيَيْتِ الْحَنِيفَ وَ كَانَتْ قَبْلًا	أَصَابَ الدِّينَ فِي الْأَزْمَانِ وَ تَدُّ
وَ عَقْلُكَ لَا يَهَابُ الْخَلْقَ جَمْعًا	لَأَنَّ مَوْيِدًا لُغْلَاكَ فَرْدٌ

(عبدالرحیم، ۱۴۱۲، ق. ص ۵۷)

به راهی سخت و دشوار قدم گذاشتی و از بیمودن نهراسیدی در حالی که در آن هلاکت و نابودی بود. دین حنیف را زنده نمودی در حالی که دین در روزگاران پیش از آن زنده به گور شده بود. عقل و اندیشه‌ات از تمام موجودات هراسی ندارد چرا که تأییدکننده‌ی بزرگواری تو خداوند یگانه است.

نزار قبانی شاعر سوری نیز امام خمینی را شمشیری می‌داند که خداوند آن را بالا برد و پیامبر و اسلام را بی‌نیاز نمود، او می‌گوید:

وَ الْخَمِينِي يَرْفَعُ اللَّهُ سَيْفًا	وَ يَعْنِي النَّبِيَّ وَ الْإِسْلَامَا
هَكَذَا تَصْبِحُ الدِّيَانَةُ خَلْقًا	مُسْتَمْرًا... وَ ثَوْرَةً... وَ اقْتِحَامًا

(نزار، ۱۴۰۴، ق. ص ۵۰)

و خداوند خمینی را چونان شمشیری بالا برد و پیامبر و اسلام را بی‌نیاز نمود. و این‌گونه دین پدیده‌ای دامنه‌دار و انقلابی و پرنفوذ گردید.

زهیر المرزوق دیگر شاعر عرب در این مورد گوید:

يَا آيَةَ اللَّهِ يَا نِبْرَاسَ ثَوْرَتِهَا	يَا مَنْ أَقِيمَ بِهِ لِلْحَقِّ مِيزَانُ
الِيكَ أَرْفَعُ أُبْيَاتِي وَ فِي كَبْدِي	عَطَّرَ الْوُدَادِ، وَ لَمَّا فِي الْوَدِّ بَهْتَانُ

(همان، ص ۵۳)

ای آیت خداوند ای که چراغ هدایت انقلاب خویش است، ای کسی که با او برای حق

میزان و ترازویی برپا شده است. اشعارم را به تو تقدیم می‌کنم و در جگرم عطر دوستی است و در دوستی، بهتان و دروغی نیست.

زمینه ساز ظهور

در زمرة روایات مربوط به ظهور امام زمان (عج) از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمودند: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنَ الْحَدِيدِ لَا يَزَالُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبُونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (نمازی شامرودی، ۱۳۱۹ ق، ص ۵۹۸) مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان همچون پاره‌های آهن سستبر است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند، اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری این حدیث را با امام خمینی منطبق دانستند و صرف‌نظر از سند قوی این حدیث، «در آن تعبیر از مردی از قم شده و امام علیه السلام نفرموده است از اهل قم، چرا که امام خمینی اهل خمین و ساکن قم بودند و در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده‌ای با یارانی چنین ویژگی‌های برجسته، کسی سراغ نداشته است» (مکراتی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۳۷)

برخی شاعران عرب نیز که تطابق این حدیث را با شخص امام آشکارا می‌دیدند به اظهار نظر پرداخته و ایشان را وعده داده شده امامان و زمینه ساز ظهور منجی آخرالزمان دانستند و ما در اینجا به چند مورد از آنها می‌پردازیم.

ابو زلفی شاعر عراقی معتقد است که امام خمینی همان کسی است که امامان معصوم علیهم السلام از قدیم آمدنش را خبر داده بودند:

هُوَ الْخَمِينِي رُوحُ اللَّهِ مَلْهُمَنَا	عَزَمَ الْأَيَّامَ بِأَنَّ الْحَقَّ مِتَّصِرُ
هُوَ الْخَمِينِي بُشْرَانَا بِه سَلْفَاً	مِنَ الْأُتَمَّةِ، لَيْتُ اللَّهُ يَتَّصِرُ

(نزار، ۱۴۰۲ ق، ص ۴۸)

او خمینی است رو خدا اراده‌ی تسلیم ناپذیران، او به ما الهام نمود که حق پیروز است. او خمینی است که امامان گذشته بشارت او را به ما دادند و اینکه شیر خداست و

پیروز است.

حسن طراد نیز اعتقاد دارد پرچمی که امام خمینی آن را برافراشت به دست امام عصر خواهد رسید، او گوید:

و قَائِدِ الْكُلِّ رُوحِ اللَّهِ مَنْطَلِقٌ	إِلَى الْأَمَامِ وَ لَمْ يَعْأَ بِهِمْ رَهْبًا
حَتَّى يَسْلَمَ رَايَاتِ مَظْفَرَةَ	إِلَى الْأَمَامِ إِمَامِ الْعَصْرِ مُحْتَسِبًا
لَا زَالَ شَمْسًا بِأَفْقِ الْحَقِّ مُشْرِقَةً	تَمْحُو الظَّلَامَ وَ تَهْدِي النُّورَ مُنْشِرَةً

(عبدالرحیم، ۱۴۱۲ ق. ص ۳۹)

و فرمانده کل روح الله به پیش در حرکت است و ترسید و به آنها (دشمنان) اهمیت نداد. تا اینکه پرچم‌های ظفرمندی را به امام تسلیم کند، به امام عصر که ناظر بر اعمال ماست. او همواره چون خورشیدی در افق حق در حال درخشش است و تاریکی‌ها را از بین می‌برد و نور را در حالی که جاریست هدیه می‌فرستد.

و ابو هدی شاعر عراقی نیز ارتباط امام خمینی با ظهور را اینگونه بیان می‌کند:

بِقَلْبِ الْحَسَنِ يَنَادِي الْعَصُورُ	أَلْهَلْ لِدِينِي مِنْ نَاصِرٍ
بِنَحْرِ الرُّضِيِّ يَهْرُ الطُّغَاةُ	بِحَبَابِ مِنْ دَمِهِ الْغَائِرِ
بِنُورِ الْخَمِينِيِّ تَشْرِي الْعُصُورُ	بِأَلْوَانِهِ الرَّائِعِ الزَّاهِرِ
سَتَسْرِقُ بِالْعَدْلِ كُلَّ الرِّبْعِ	وَ تَهْوِي قَوَى الْجَوْرِ وَ الْجَائِرِ
وَ يَظْهَرُ مَهْدِي هَذَا النُّورِيُّ	إِمَامُ الْهَدَى خَيْرَ الْآخِرِ

(نزار، ۱۴۵۴ ق. ص ۱۹۸)

و به خداوند و پاکان و به هر خون درخشنده در جریان قسم می‌خورم. به قلب حسین که روزگاران را ندا می‌دهد: آگاه باشید آیا برای دین من یآوری هست؟ به گلوی (علی اصغر) شیرخوار که ستمگران را می‌لرزاند، به دانه‌های خون فرو رفته پنهان شده‌اش. قسم به نور خمینی که روزگاران با روشنایی زیبا و درخشنده‌اش ثروتمند شد. مهدی این مردم ظاهر خواهد شد، امام هدایت، آخرین امام (از خاندان عصمت علیهم‌السلام).

نتیجه‌گیری

توجه شاعران عرب به ویژگی‌های برجسته امام خمینی علاوه بر آنکه بار دیگر عظمت

شخصیت ایشان را به اثبات می‌رساند خود دارای اهمیت زیادی است، چرا که تقریباً تمامی این شاعران غیر ایرانی بوده‌اند و از خارج از مرزهای جغرافیایی و با دیدگاهی وسیع به ارزیابی شخصیت اسلامی - جهانی امام پرداخته‌اند از این رو این شاعران تا حد زیادی در شناسایی ویژگی‌های برجسته امام خمینی موفق بوده‌اند و اشعار آنها با بیان ویژگی‌های شخصیت امام، تشنگان معرفت و انسانیت را به بهره‌گیری از این چشمه زلال دعوت می‌نماید.

فهرست منابع

- اکبری، محمدرضا: سیمای امام خمینی، چاپ دهم، انتشارات پیام عتوت، اصفهان، ۱۳۷۸.
- آندبروی، عبدالساده: الشعر الحزین فی رثاء بطل القرن العشرين، الطبعة الاولى، الحاروی، قم، ۱۳۶۸.
- سبحانی‌نیا، محمدرضا و سعیدرضا علی‌عسکری: مهر و قهر (گلچینی از لطافت‌ها و صلابت‌ها در زندگی امام خمینی)، چاپ سوم، انتشارات شهید مدرس، اصفهان، ۱۳۸۰.
- عبدالرحیم، محمد: فرائد القصائد فی الخمينی القائد، الطبعة الاولى، دار المسختارات العربی، دمشق، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- فرحات، علی محمد: عمائم و ملاحم، الطبعة الاولى، بلا ناشر، بیروت، ۲۰۰۰ م.
- کورانی، علی: عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، چاپ هفتم، چاپ و نشر بین‌المللی، تهران، پاییز ۱۳۸۳.
- نزار، جعفر حسین: الخمينی و الثورة فی الشعر العربی، الطبعة الاولى، دار الرأی العربی، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- نمازی شاهرودی، علی: سفینه البحار، ج ۸، الطبعة الاولى، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- النقاء الشعری الاول، المستشاریة الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، بلا ناشر، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.

